

بازداشت ابزار سیاست نیست



صالح نقره‌کار

● بازداشت شدن هیچ‌کس خوشایند نیست.

اصل، آزادی تن است و زندان شدن به عنوان یک اقدام یا کيفر تزییلي و خفیف‌کننده، دلیل قانونی می‌خواهد. باید به جامعه اطمینان داد که از این ابزار قانونی، خودسرانه و برخلاف مصالح واقعی مردم استفاده نمی‌شود.

هیچ روح سالم و عقل سلیمی از اینکه هم‌نوعش در رنج زندان و سلب حق آزادی قرار گیرد، خرسند نمی‌شود. بنابراین حتی کنشگران سیاسی آن‌گاه که در معرض اعمال ناروای این محدودیت ولو برای رقیب قرار می‌گیرند، با تمسک به قاعده گوهرین اخلاق که «نچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگری میسند» سعی در انتقاد و شفاف‌سازی روند بازداشت می‌کنند.

باید خلاقانه و مبتکرانه به مردم گزارش داده شود که کی و کجا و به چه دلیل و با حفظ همه معیارهای رفشار عادلانه و متصفانه، از ابزار حبس و بازداشت استفاده می‌شود. درست است که متقاعدکردن مردم تکلیف قضائی و مقتضای اعمال عدالت نیست، ولی باید به این امر توجه شود که امنیت روانی مردم در گرو اطمینان از صحیح‌العمل‌بودن دستگاه قضا و برابرگونه عمل‌کردن است. سیاست‌پرهیزی این قوه باید مدام به مردم القا شود و از موضع‌گیری ارگان آن تا سخنگو و قضات مکررا تداعی شود. از آنجا که استعداد افکار عمومی ما در سیاسی‌تلقی‌کردن رفتار قضائی نیز بالاست، باید با صداقت و مهارت و تکرار، این تمایز جلوه داده شود.

در میان همه ابزارهای قانونی و قهریه قضائی، توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم، مهم‌ترین تأمین‌کننده است که اعمال آن تحت ضوابط و شرایط خاصی در اختیار قاضی است. این نوع تأمین، وسیله‌ای ضروری در رسیدگی به امور کیفری است، ولی استفاده بی‌رویه و بدون رعایت ضوابط قانونی از آن، اقدامی مضر برای منافع عمومی و آزادی‌های فردی است. بنابراین تدابیر احتیاطی محدودکننده و تأمین‌گر حقوق شهروندی پیش‌بینی می‌شود که اعمال این ابزار صرفا در خدمت منفعت عمومی و نه پسند ارباب قدرت باشد.

شیوه اعمال قرار بازداشت و مدت آن، مرجع صدور تحت شرایط و ضوابط معین و دقیق ضمن سازوکار اعتراض متهم و رسیدگی به آن در مرجع صلاحیت‌دار، تضمین حقوق دفاعی و جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی از جمله مواردی است که ریسک خطا و استفاده سوء را افزایش می‌دهد. مغایربودن این قرار سالب آزادی و تلمه‌زننده به حقوق دفاعی با اصل برائت و اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر قانون به‌نفع متهم نیز دغدغه‌ای است که دلواپسی‌ها را تشدید می‌کند.

ماهیت اعمال بازداشت به دلیل نوع جرم یا شرایط مجرم از باب حکم یا قرار تأمین قضائی درخور توجه است. اگر احساس روانی یا پندار عمومی جامعه ناظر بر این باشد که از این ابزار سامانه کیفری برای اهداف مغایر مصالح عمومی بهره‌گیری می‌شود، اعتماد عمومی دچار صدمه می‌شود.

گاهی وجدان عمومی با اعمال بازداشت همسو است. در مواردی که بیم فرار و تبانی متهم می‌رود یا مواردی مانند اسیدپاشی و کودکا‌آزادی و قتل‌های خشن یا اخلاص در امنیت روانی و حقیقی، جامعه ملتهب جز با صدور بازداشت موقت آرامش نمی‌یابد. مطابق با بند «الف» ماده ۳۵، مرجع قضائی به اجبار باید درباره چهار جرم قتل عمد، آدم‌ربایی، اسیدپاشی، محاربه و افساد فی‌الارض قرار بازداشت موقت صادر کند. درباره قتل عمد هیچ تأمین متناهی‌تر از قرار بازداشت موقت نیست، اما درباره فعالان سیاسی این‌گونه نیست. درباره فعالان سیاسی نظام‌های حقوقی با فرض حسن‌نیت کنشگران این عرصه صدور قرار بازداشت موقت و مجازات‌های سالب آزادی را تجویز نمی‌کنند و به‌دلیل نیاز جامعه به نقد و مخالفت، می‌پذیرند که تاوان کنش سیاسی و حق بر خطابودن را بدهند. مصلحت و خیر عمومی در این است که فضای کنش سیاسی امنیت داشته باشد تا رقابت برای کرسی‌های عمومی زمینه شایسته‌سالاری و تناوب و چرخش قدرت و مبارزه با فساد و استقرار شفافیت را فراهم کند. طبیعی است که مثلا برای افشای فساد یا نقد رفتار صاحبان قدرت، فرض خطا یا قصور و تقصیر کنشگران عمومی متصور است؛ بنابراین باید نسبت به خطاهای حوزه اندیشه و وجدان که نگاه ارفاق‌آمیز در سیاست کیفری اعمال شود که امنیت خاطر کنش عمومی را تضمین کند.

آسو محمدی: در چهلمین سال درگذشت علی شریعتی، دایره آموزش منطقه تهران حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، سلسله‌نشست‌هایی را با عنوان «شریعتی، انقلاب، اصلاح» تدارک دیده است. موضوع این نشست «بازگشت به شریعتی؛ بررسی جامعه‌شناختی پدیده آرمان‌خواهی در جامعه آرمان‌زدایی‌شده» است.

«هر کسی توتمی دارد! که با آن عشق می‌ورزد، دوست می‌دارد، می‌پرستد، می‌نالد، دعا می‌کند، می‌گیرد، اشک می‌ریزد، انتظار می‌کشد، صبر می‌کند، اخلاص می‌ورزد، ارزش می‌یهد، درد می‌کشد، رنج می‌برد، ایثار می‌کند، می‌گذارد.» توتم شریعتی چه بود؟ شریعتی به چه ارزش‌هایی عشق می‌ورزید؟ معلم-روشنفکری که دامنه تأثیر اندیشه‌ورزی او از مرزهای ایران فراتر رفته و سخنانش در عصر حاضر همچنان مورد بحث و نقد است. نقدها و انتقاداتی که گاه به عداوت، طعن و تمسخر و گاه به سبوری فکر جریان‌های افراط‌گرایی منتهی شده است، اما این نقدها هیچ‌گاه نتوانسته از اهمیت اندیشه و تفکر شریعتی در جامعه بکاهد.

در این نشست هادی خانیکی، مدیر گروه ارتباطات دانشگاه علامه و سیدجواد میری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با واکاوی شخصیت و اندیشه شریعتی و نخله‌ای از تعهد روشن‌فکری اجتماعی که او نمایندگی می‌کند و از امکان آرمان‌خواهی در جامعه آرمان‌زدایی‌شده به ایراد سخنرانی پرداختند.

خانیکی بحث خود را از حسینه ارشاد و ارزش مکانبندی در شناخت شخصیت آغاز کرد و گفت: برای شناخت شریعتی مکان‌ها هم مهم هستند. شریعتی به‌عنوان معلم-استاد که وقتی از تدریس در دانشگاه محروم می‌شود و به حسینه ارشاد می‌رود، مطالعه حسینه ارشاد برای شناخت شریعتی موضوع مهمی است؛ جایی که کلاس‌هایش به‌جای ۳۰ نفر با سه هزار نفر تشکیل می‌شود. تا آنجا که حسینه ارشاد می‌شود مکانی که تا دوردست تأثیرگذار است. برای اینکه ذهنان نزدیک شود به اینکه شخصیت شریعتی چه کسی بود؟ کافی است بگوییم شریعتی متولد ۱۳۱۲ بود. بیشترین تأثیراتش در دهه ۵۰ شروع شد و از این دهه به بعد این شریعتی است که در عالم روشن‌فکری و کنشگری حرف اول را می‌زند. او یک آدم ۳۸ ساله بود. ممکن است به من بگویید ۳۸ ساله‌های ما کجا هستند؟

او با اشاره به شخصیت فرامکانی شریعتی گفت: باید به این پرسش جواب بدهیم که چطور شد یک روشن‌فکر، اندیشه، زبان و کنشش تا این اندازه فراگیر می‌شود؟ آیا شریعتی فقط تئورسین و معلم انقلاب یا به تعبیر روشن‌تر روشن‌فکر مصلح است؟ اینکه مثلا اگر می‌خواهیم فرقان را بشناسیم ابتدا باید شریعتی را بشناسیم؟ این حرفی است که گفته می‌شود. باید ببینیم می‌شود او را محدود کرد به معلم انقلاب یا می‌توان به‌عنوان نظریه‌پرداز اصلاحات از او بهره گرفت؟ آیا از پدیده روشن‌فکر متعهد اجتماعی می‌شود حرف زد؟ یا روشن‌فکر، وقتی متعهد به آن اضافه می‌شود، دغدغه‌های حقیقت‌جویانه‌اش از او سلب می‌شود و او را مقید می‌کند به اینکه کارهای دیگری انجام دهد؟ یا اینکه بگوییم که زمان روشن‌فکری متعهد اجتماعی و معطوف به سیاست سبزی شده است. شریعتی جزء کدام گروه است؟

این استاد دانشگاه با طرح این پرسش‌ها که آیا این بازگشت یک دیالکتیک پیش‌برنده است که ما را به جلو می‌برد یا ما را به گذشته برمی‌گرداند؟ یا به‌اصطلاح یک حرکت واپس‌گرایانه است؟ به تبیین شخصیت و تجربه‌های زیسته شریعتی پرداخت و افزود: من از شریعتی عبور می‌کنم و به نسبت او با امروز ما می‌پردازم. از نظر من میراث شریعتی یک سن‌کواره معرفتی نیست و پرسش‌واره‌هایی برای امروز و اکنون ما دارد. شریعتی ساکن دنیاهای موازی و متناقض بوده است، زیسته او و اندیشه او محصول این جهان‌های موازی است که شریعتی در آن تجربه‌ها زیسته و از آن می‌شود حرف زد. شریعتی پرسش دارد و تا زمانی که شریعتی پرسش دارد به شریعتی نیاز است، اگرچه ممکن است به پاسخ‌های شریعتی نقد و ایراد داشته باشیم. شریعتی شخصیتی پارادوکسیکال است و همین پارادوکس‌هاست که آدمی را زنده نگه می‌دارد.

روشنفکری در جست‌وجوی حقیقت

مدیر گروه ارتباطات دانشگاه علامه گفت: شریعتی در جست‌وجوی حقیقت است. به تعبیر روشن‌فکرانه‌اش «رازدار» است و هم‌زمان کنشگر هم هست. هم مثل فیلسوفان منزوی می‌اندیشد و هم به وسط میدان هم می‌آید. به تعبیر فوکو، هتروپایی (Heteropia) یا فرامکانی است. در یک همستان زندگی می‌کند. ساکن مرزهاست. مطمئن باشید شریعتی اگر امروز جزء هیئت علمی دانشگاه‌های ما بود، به‌خاطر نداشتن مقالات درج‌شده در مجلات دارای آ‌اس‌آ‌ی ارتقای او با مشکل مواجه می‌شد. آن وقت شریعتی را می‌دیدید که در میدان انقلاب به دنبال فروشندگان مقاله و کتاب می‌گردد. شریعتی به میزانی که از آکادمی بیرون رفت «شریعتی» شد. اگر پرونده شریعتی را در دانشگاه مشهد دنبال کنید، جالب است که شریعتی مورد دو انتقاد است؛ یکی اینکه چرا در کلاس‌هایش حضور و غیاب نمی‌کند و دیگر اینکه چرا وقتی می‌خواهد برای محبت‌کردن

بیرون برود، از دانشگاه اجازه نمی‌گیرد.

خانیکی ادامه می‌دهد: شریعتی اندیشمندی است متعلق به دوران انقلاب و بیشترین تأثیر را در دوران انقلاب از او گرفتیم. از این جهت شاید در جامعه ایران روشن‌فکری در حد او برمخاطب نبوده است و بازار گرم مخاطب را نداشته است.

به این اعتبار می‌توانم بگویم که شریعتی را هم در گفتمان انقلاب می‌شود مورد مطالعه قرار داد و هم در گفتمان اصلاحات که گفتمان پس‌انقلاب است.

خانیکی به جایگاه و اندیشه شریعتی در بستر اصلاحات اشاره کرد و گفت: اینکه شریعتی توانایی این را داشت که مفاهیم مازاد را از آن جدا کند، این مفاهیم او را از گفتمان انقلابی به گفتمان اصلاحات وارد می‌کرد. چون گفتمان اصلاحات محصول

این است که براساس همان بنیادهای انقلابی در زمان و شرایط متفاوت سعی در جست‌وجوی راه‌حل دارد.

می‌شود در اندیشه شریعتی مفاهیمی پیدا کرد که او را به عنوان متفکر تأثیرگذار در اصلاحات مطرح می‌کند و اصلاحات بی‌نیاز از شریعتی نیست و نیازمند او است. چون که تجربه و اندیشه او معطوف به گفت‌وگو و به زبان‌آوری مخاطب است. به دلیل بازسازی مفهوم آرمان در جامعه ما، می‌توان در دوران اصلاحات از شریعتی هم بهره برد. او سخنانش را با این جملات شریعتی وقتی از زندان بیرون آمده، به پایان برد: «این تجربه من است که اینها را از یاد نبرید: نان، آزادی، فرهنگ، ایمان و دوست‌داشتن» و اینکه «اگر عدالت بدون آزادی و عشق مورد توجه قرار بگیرد، منجر به یک زندگی گله‌وار می‌شود»، چیزی که ما در سال‌های اخیر در اشکال پوپولیستی و پوپولیسم شاهد آن بودیم و دیدیم هرکسی که با صدای بلندتر از عدالت حرف بزند، بدون اینکه به آزادی توجه داشته باشد، سر از لجن‌بازی درمی‌آورد. به این اعتبار می‌توانیم در رویکرد اصلاح‌طلبانه به شریعتی هم توجه کنیم.

از اسطوره تا واقعیت شریعتی

در ادامه نشست سیدجواد میری به تحلیل مفهوم بازگشت از نگاه شریعتی پرداخت و گفت: فکر می‌کنم یکی از بفرغ‌ترین مسئله‌هایی که درباره شریعتی مطرح است، مفهوم «بازگشت» است. حتی در بعضی از نشریه‌ها... می‌بینیم اولین بحث، مسئله بازگشت است. می‌گویند شریعتی گفته بازگشت به مدینه نبوی و ۱۴۰۰ سال پیش. اساسا مگر می‌شود در دنیایی که همه چیز به «سوی» مدرنیت و توسعه می‌رود ما صحبت از بازگشت کنیم؟ درحالی‌که بازگشت را به‌مثابه یک مفهوم ارتجاعی معرفی می‌کنند و می‌گویند شریعتی چیزی جز بازگشت به سلف و سلف صالح نیست. درون همین خوانش شریعتی متهم می‌شود به اینکه پدر داعش بوده، پدر القاعده بوده و پدر بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های سلفی که در جهان اسلام به وجود آمده، نمونه‌اش در ایران فرقان. شاید اگر سطحی و گذرا به آثار شریعتی نگاه کنیم، امکان چنین خوانشی وجود داشته باشد. من فکر می‌کنم یک مشکل بنیادی وجود دارد. اینکه اساسا از متن فاصله گرفته‌ایم (درباره کل مردم نمی‌خواهیم صحبت کنیم؛ با اصحاب علم و دانش و دانشگاهی می‌خواهیم صحبت کنیم). یک سری اسطوره‌ها درباره شریعتی مطرح است که بعضی با واقعیت منطبق است و برخی دیگر با واقعیت سازگار نیست و پراساخته ایرانی است.

میری ادامه داد: اما واقعا شریعتی درباره بازگشت چه گفته است؟ شریعتی در جای جای آثارش وقتی صحبت از بازگشت می‌کند، می‌گوید: «بازگشت به خویشتن وجودی». این مفهوم بازگشت را ما چگونه باید بفهمیم؟ برداشت من این است که مفهوم بازگشت را اگر ما به مثابه برگشت بفهمیم، یعنی بازگشت به سلف صالح یا همان چیزی که در نخله‌های سلفی و وهابی امروز مطرح است، این یک موضوع و پارادایم است. مفهوم یک پارادایم دیگر در همین کلمه بازگشت است. باز، یعنی دوباره، یعنی باز یافتن چیزی. وقتی می‌گوییم باز یافتن خویشتن وجودی یعنی چه؟ آیا شریعتی ما را دعوت می‌کند که به ۱۴۰۰ برگردیم؟ یا دارد صحبت از یک براساخت می‌کند. در کتاب «انسان بی‌خود» وقتی شریعتی صحبت از مفهوم بازگشت می‌کند، به صورت واضح می‌گوید ما یک اسلامی داریم که این اسلام، اسلام فرهنگ است و یک فرهنگ اسلامی داشتیم که این در عصر حاضر نمی‌تواند ما را به جایی برساند. ولی اگر قرار است حرکتی انجام دهیم و مناسبات خودمان را بازباییم، براساس فرهنگ اسلامی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم بلکه باید یک مقدرات جدید را بی‌ریزی کنیم.

آن وضعیت جدید را چگونه باید پی‌ریزی کنیم. آیا آن در تاریخ گذشته ماست یا اساسا چیزی است که قرار است در آینده ساخته شود؟ اگر بازگشت به معنای برگشت به شریعتی است یا برگشت به گذشته است که این نه ممکن است و نه مطلوب. حتی ما به خود شریعتی هم نمی‌توانیم برگردیم.

سیاست

هادی خانیکی و سیدجواد میری بررسی کردند

شریعتی انقلابی، شریعتی اصلاح‌طلب

چون شریعتی در زمانی دارد صحبت می‌کند که یک سوی آن نظام سرمایه‌داری و سوی دیگر نظام سوسیالیستی است و جهان به دو اردوگاه بزرگ تقسیم شده و کشورهایی مانند ایران سعی می‌کنند نظامی را تعریف کنند که نه سوسیالیستی باشد و نه کاپیتالیستی. امروز در دنیایی که زندگی می‌کنیم، نه دنیای دوقطبی است و نه سه‌قطبی.

سیدجواد میری خاطرنشان کرد: اساسا شریعتی ذیل یک کلان‌روایت صحبت می‌کند، به نظر من امروز امکان کلان‌روایت در ایران وجود ندارد. اگر در سال ۵۷ انقلاب رخ داد به این دلیل بود که بسیاری از کنشگران باور به یک آرمان‌شهر داشتند.

آرمان‌شهری که بتواند با یک ایدئولوژی دینی خودآگاهی ایجاد کند و نظم علوی و یک جامعه

در آن باشد و با یک پرش از نظام سوسیالیستی و کمونیستی پیشی بگیرد. به نظر می‌رسد بسیاری از اندیشمندان ازجمله شریعتی چنین کلان‌روایت‌هایی در ذهن داشتند. من فکر می‌کنم این نسخه برای امروز ناممکن است و مطلوب هم نیست. به عنوان مثال شریعتی در کتاب انسان بی‌خود وقتی از هایدگر صحبت می‌کند، می‌گوید من با هایدگر موافق هستم به این معنا که تمدن یا مدنیت انسان را در حالت غفلت می‌برد. ولی یک شرط دارد و آن اینکه بحث هایدگر در مورد تمدن غرب صحت دارد. اگر ما بتوانیم مناسباتی ایجاد کنیم که به جای اینکه انسان در خدمت ماشین و سرمایه باشد، سرمایه و ماشین در خدمت انسان باشد آن‌گاه می‌توان تمدنی ساخت که به گونه‌ای علی‌وار باشد. مبتنی بر نظم علوی باشد.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تحلیل شخصیت چندوجهی شریعتی اظهار کرد: وقتی از شریعتی صحبت می‌کنیم باید بگوییم کدامین شریعتی؟ در آستانه قرن ۲۱ شمسی یا در میانه قرن ۲۱ میلادی؛ از کدام شریعتی می‌خواهیم صحبت کنیم؟ اگر قرار

است که اصلاحات نه به معنای حزبی کلمه، بلکه به معنای مصلحان اجتماعی؛ اگر قرار است در جامعه ما اصلاحی صورت بگیرد و شریعتی هم در این چارچوب بتواند به روشن‌نگری ما کمک کند، کدام شریعتی می‌تواند کمک کند؟ من فکر می‌کنم شریعتی دهه ۴۰، به درد ما نمی‌خورد. شریعتی‌ای که متفکر انتقادی باشد. شریعتی که به ما مفاهیمی بدهد که بر اساس آن بتوانیم نظم موجود را نقد کنیم. بسیاری از کسانی که به شریعتی حمله می‌کنند نمی‌توانند تمایزی قائل شوند بین شریعتی براساخته شده به‌مثابه معلم انقلاب و شریعتی به مثابه یک متفکر و روشن‌فکری انتقادی. بسیاری از کنشگران آن دوره با این حرف شریعتی که برگرفته از دیدگاه فرانتس فانون بود، موافق بودند و آن این بود که ساختن و ایجادکردن اروپایی دیگر، مطلوب و دلخواه نیست؛ یعنی ما نمی‌خواهیم اروپایی دیگر در آسیا و آفریقا داشته باشیم. می‌خواهیم نظم دیگری را برسانیم. البته اینجا هم یک بحثی مطرح می‌شود و آن اینکه آیا شریعتی ضد مدرنیت بود؟ یکی از اندیشمندان ناسیونالیست معاصر ایرانی معتقد است که شریعتی با تجدد و مدرنیت مشکل داشت، ولی این‌گونه نبود. شریعتی معتقد بود که تجربه اروپای غربی را نمی‌شود نعل‌به‌نعل در ایران پیاده و تکرار کرد. باید به دنبال نظم دیگری بود.

در پایان نشست، میری به تبیین «باورهای دینی» از نگاه شریعتی پرداخت و گفت: یکی از نکات بسیار مهم شریعتی که فکر می‌کنم امروز در جامعه گرفتار نوعی از رویکرد مداحانه شده‌ایم می‌تواند به ما یک بینشی بدهد، باورهای دینی است. شریعتی از سه فرم دینی سخن می‌گفت؛ یکی دینی که پیشاعلمی بود که می‌گفت آن دین بازسازی‌اش برای ما هیچ ثمره‌ای نخواهد داشت و دین پیشاعلمی اساسا به کار ما نمی‌آید. شریعتی دعوت به دین علمی هم نمی‌کرد چرا؟ می‌گفت انسان امروز دچار اضطراب شده است. امروز دین علمی هم نمی‌تواند پاسخ‌گوی دردهای ما باشد. او صحبت از دین پساعلمی کرد؛ دینی که از هیئت بظلمیوسی عبور کرده، جهان کوپرنیکی را می‌فهمد، فیزیک هاینزبرگ را می‌فهمد، ولی اساسا آنجا توقف نکرده است. اینجااست که شریعتی می‌تواند در نظم موجود ما تغییروتحول ایجاد کند.

سهم آن ۲۴ میلیون نفر

او همچنین درباره اینکه خبرهایی به گوش می‌رسد، مبنی بر اینکه احتمال دارد واعظی در کابینه آینده جایگزین نهایندیان شود نیز گفته «امیدوارم واعظی مدیر دفتر آینده رئیس‌جمهوری نباشد، چون خوب نیست رئیس‌جمهوری که با این رقابت فشرده و ۲۴ میلیون رای انتخاب شده، حالا با برخی بی‌دقتی‌ها گرفتار برخی حاشیه‌سازی‌ها شود».

چک سفیدامضا نداده‌ایم

فاطمه سلحشوری به حضور مؤثر و حمایت نمایندگان اصلاح‌طلب در هنگامه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر اشاره داشته و می‌گوید «زنان و مردان اصلاح‌طلب مجلس بی هیچ شجما‌داشتنی در بازه زمانی کوتاه سخنرانی‌های فراوانی در حمایت از روحانی داشتند و حالا نیز همسوا با دولت همراه برخی افراد در حلقه مشاوران روحانی به گوش می‌رسد، اتفاق جالبی نیست». بهرام پارسایی، سرشناسی فرانسوی‌نژاد امید نیز در همین زمینه به الینا خبر داده «برای کابینه دوازدهم با هر ترکیبی چک سفیدامضا نداده‌ایم. فرانکسیون در حمایت از آقای روحانی فراتر از انتظار ظاهر شد و در واقع این حمایت به‌مثابه چک سفیدامضای جریان اصلاح‌طلبی به آقای روحانی بود. اکنون هم در صورت معرفی کابینه کارآمد و قوی از سوی ایشان، مانند انتخابات تمام‌دولت حامی ایشان خواهیم بود، اما برای کابینه آینده با هر ترکیبی چک سفید امضا نداده‌ایم».

اعلام فهرست کابینه به احتمال زیاد، امروز

نمایندگان فرانکسیون امید دیروز مهمان رئیس دولت اصلاحات بودند. برخی از آنها کلمه‌شد از نگاه تبعیض‌آمیز کابینه آینده روحانی به زنان هستند و برخی دیگر کلمه‌شد از نگاه دولت آینده به انتصاب قومیت‌های مختلف. با این حال، سخن رئیس دولت اصلاحات تلاش حداکثری برای وفای و همراهی با دولت آینده حسن روحانی است. دولتی که بر اساس اخبار این روزها نه در آن خبری از وزیر هست و نه وزیر سنی‌مذهب. بیکیری‌های «شرق» نشان از آن دارد که حسن روحانی امروز نام و نشان وزرای پیشنهادی کابینه‌اش را تقدیم مجلس خواهد کرد. البته او به طور قانونی از روز تحلیف دو هفته فرصت دارد که اسامی وزرای پیشنهادی را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. غلامرضا کاتب، عضو هیئت‌رئسه مجلس به جمران گفته که حسن روحانی امروز فهرست کابینه را اعلام خواهد کرد.

اقامتی به یادماندنی در

بابلسر، متل عسل

فرصتی استثنایی

ویلايي مجهز همراه با صبحانه، ناهار، شام

استفاده رایگان استخر، سونا و جکوزی

استفاده رایگان تور دریایی، بیلپارد

مدت و ظرفیت محدود

۲ شب و ۳ روز

به ازای هر نفر فقط ۱۴۹/۰۰۰ تومان

داخلی ۲۲۱ ۲۹-۳۵۲۷۷۳۰۰ (۰۱۱) TITA

همراه: ۰۹۰۲۵۴۳۶۴۶۶